

انسان شناسی: ویژگی ها و انواع، از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)

سعاده حسینی شکوه^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد) کلام اسلامی، معاون پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س)، اهواز، مدرّس و پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

در میراث اسلامی سخن بسیاری از سوی عالمان دینی درباره‌ی انسان با صبغه‌ی روایی، کلامی، فلسفی و عرفانی بیان شده است. در این میان امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز به مباحث انسان شناسی های بشری و انسان شناسی قرآنی و تفاوت های این روش ها پرداخته اند و علم انسان شناسی وحیانی، صحیح و جامع را برای زندگی فردی و جمعی ضروری می دانستند. امام خمینی (رحمة الله علیه) بر اساس قرائت ویژه ای که از هستی دارد و بر مبنای اعتقاد به اصل توحید و بسط آن در حرکت انسان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی، ابعاد مختلف وجودی انسان را مورد توجه قرار می دهند و با در نظر گرفتن آموزه های اسلامی، جهت به فعلیت رساندن استعداد های او توصیه هایی را مطرح می کنند. در این مقاله به انواع انسان شناسی به لحاظ نگرش و روش، که به لحاظ نگرش شامل (انسان شناسی کل نگر و انسان شناسی جزء نگر) و در انسان شناسی به لحاظ روش به انسان شناسی طبیعی، فلسفی، عرفانی و وحیانی تقسیم شده است. در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و فیش برداری بوده، روش تحقیق نقلی-تاریخی و روش پردازش توصیفی - تحلیلی است.

واژه های کلیدی: انسان، امام خمینی (رحمة الله علیه)، انسان شناسی

مقدمه

انسان‌شناسی علم به انسان و احوالات انسانی در بعد امور کلی و جزئی، فردی و اجتماعی، تئوریک و عملی است. بر این اساس علم انسان‌شناسی حوزه‌های بسیار گسترده‌ای از علوم را در برمی‌گیرد. لذا باید ریشه‌های علم انسان‌شناسی را در علوم انسانی، هنر، علوم تجربی و علوم اجتماعی جستجو کرد. با ظهور اسلام و تعالیم وحیانی، قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع، افق‌های جدیدی را درباره ماهیت انسان گشود. انسان در کانون عالم هستی قرار دارد و برای رهایی از گمراهی و سرگردانی و شناخت طریق هدایت و نیل به کمال و نیز به‌منظور جلوگیری از تباه‌سازی خود و دیگران نیازمند به‌مربانی است که خود در علم و عمل به کمال رسیده باشند و از طرفی «انسان» و راه رشد وی را در تمام ابعاد آن به‌خوبی بشناسند.

پس از انبیای الهی و ائمه معصومین = که مسئولیت اصلی این مأموریت عظیم بر عهده‌ی آنان است و اصولاً فلسفه‌ی نهضت و دعوت آنان تربیت و تهذیب نفوس است، انسان‌های صالحی که در وادی علم و عمل راه‌ها پیموده و جان خویش را به زیور آگاهی و تهذیب نفس آراسته باشند، به‌تناسب رفعت جایگاه، قدرت انجام این مهم را خواهند داشت. از جمله نوادر این بزرگ‌مردان الهی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) است، امام خمینی (رحمة الله علیه) بر این اعتقادند که غایت جهان، «انسان» است؛ یعنی اصولاً جهان خلق شده تا کارخانه‌ی انسان‌سازی باشد. اهمیت و دلیل انتخاب این مسئله‌ی مهم مکتبی و اجتماعی و انسانی فراوان که عمده‌تاً برمی‌گردد به این حقیقت که انسان به‌اصطلاح شاه‌بیت آفرینش است که دارای مراتبی است؛ یک‌مرتبه ظاهر، یک‌مرتبه باطن، یک‌مرتبه عقلی، یک‌مرتبه بالاتر از مرتبه‌ی عقل. که به‌صورت بالقوه در انسان تا اینکه از این عالم سیر بکند تا برسد به آنجایی که وهم ماها نمی‌تواند برسد و همه‌ی این‌ها محتاج تربیت است. بدون شناخت صحیح و درست انسان شناخت درست جهان امکان‌پذیر نیست. بنابراین هدف از خلقت جهان، خلقت انسان و هدف از خلقت انسان هم تحقق انسانیت و به فعلیت رسیدن استعدادهای اوست. انسان سبب ایجاد عالم و نیز بقای آن است. علت ایجاد و بقای عالم، وجود انسان است. پس هدف از نوشتن این مقاله بررسی و تحول نظریات حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و منویات ایشان در زمینه‌ی انسان‌شناسی می‌باشد. در پیشینه مقاله کتابی یا پایان‌نامه‌ای به‌صورت جامع و یک‌جا به تمام مطالب موضوع نپرداخته ولی در کتب و مقالات مختلف اشاراتی به بعضی از جایگاه انسان از منظر امام خمینی (رحمة الله علیه) شده است از جمله:

حسن پناهی‌آزاد در کتاب انسان‌شناسی فلسفی در اندیشه‌ی امام (رحمة الله علیه) در بحث مفهوم‌شناسی انسان اشاره می‌کنند که اهمیت شناخت انسان بر کسی پوشیده نیست.

محمود رجبی در کتاب انسان‌شناسی به این اشاره می‌کنند ما در انسان‌شناسی دنبال شناخت انسان هستیم و از آن‌جا که انسان موجودی بسیار پیچیده و دارای ابعاد و شئون وجودی مختلف است که بررسی و تحقیق همه‌ی آن‌ها در یک شاخه علمی امری ناممکن به نظر می‌رسد.

مرضیه اخلاقی در کتاب انسان‌شناسی در اندیشه‌ی امام خمینی (رحمة الله علیه) اشاره‌ای به ارزش والای انسان و مقایسه با حیوان کردند.

انسان‌شناسی بر اساس یک تقسیم‌بندی از دو جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- انواع انسان‌شناسی به لحاظ نگرش

انسان‌شناسی کل‌نگر و جزءنگر

در انسان‌شناسی کل‌نگر، انسان به‌طور کلی و با صرف‌نظر از بُعد، شرایط، زمان و مکان خاص مورد توجه است و لذا کلیت انسان مورد نظر است اما در انسان‌شناسی جزءنگر، بُعدی خاص از ابعاد انسان - مثلاً روان انسان در روان‌شناسی - مورد بررسی قرار گرفته و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ داده می‌شود. (رجبی، ۱۳۷۹: ۱۹-۱۸)

در انسان‌شناسی کل‌نگر مسائلی چون: چگونگی پیدایش انسان، ماهیت انسان، حقیقت وجودی انسان، گرایش‌های انسان، هدف خلقت انسان، کرامت انسانی و... مطرح می‌شود، اما در انسان‌شناسی جزءنگر مسائلی چون: چگونگی تغییر و تحول جسم انسان، رفتارشناسی انسان، احساسات و عواطف انسانی، ذهن‌شناسی و... مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برخی از مهم‌ترین مسائل و محورهای انسان‌شناسی کل‌نگر در انسان‌شناسی امام (رحمه الله علیه) به بیان زیر است:
از نظر امام خمینی (رحمه الله علیه)، انسان موجودی جامع و چندبعدی است. (الموسوی‌الخميني، ۱۳۸۵: ۴/ ص ۸) و در عین برخورداري از شخصیت واحد، دارای مراتب سه‌گانه است که در آن مراتب سیر نموده و با حرکت جوهری از طبیعت به‌طرف تجرد و کمال سیر می‌کند. (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳/ ۳۱۷ - ۳۴۴) انسان دارای جسم و روح است، هرچند جسم و روح باهم وحدت دارند و یکی هستند. و حقیقت و انسانیت انسان به روح اوست. (الموسوی‌الخميني، ۱۳۸۵: ۶/ ۳۴۴)

از نظر امام (رحمه الله علیه) نفس انسان در بستر طبیعت شکل گرفته و مولود عناصر طبیعت است. لذا موت انسان نیز به معنی استقلال نفس از بدن طبیعی است و استقلال نفس به این است که خود را از آخرین مرتبه‌ی طبیعت برهاند. بنابراین پیدایش نفس انسان به‌صورت جسمانی است، هرچند بقا و حیات ابدی آن روحانی است. (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۷۵-۶۸)

همچنین از نظر امام (رحمه الله علیه)، قوای نفس انسان چون سمع و بصر و غیره، از شئون نفس انسان است زیرا طبق اصل مهم و ضروری «النفس فی وحدتها کل القوی» نفس و قوای آن متحدند. هدف از خلقت انسان عبودیت خداست و عالم طبیعت عبادتگاه حق است. (الموسوی‌الخميني، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

مهم‌ترین نیاز فطری انسان عشق به کمال مطلق است و به‌تبع آن فطرتاً از هر نوع نقصی انزجار دارد و با توجه به اینکه کمالات مطلق تنها در خداوند متعال یافت می‌شود انسان فطرتاً عاشق جمال خداوند متعال است هرچند از آن غافل است. بنابراین خداوند متعال غایت الغایات است و این‌گونه غایت خلقت انسان نیز بشمار می‌رود. (الموسوی‌الخميني، ۱۳۶۲: مترجم سیداحمد فهری/ ۸۷-۸۵) کرامت و شرافت انسان به روح مجرد اوست که خداوند متعال آن را به خود نسبت می‌دهد و به جهت این شرافت است که ملائکه امر به سجده بر انسان می‌شوند. (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳/ ۴۵-۴۴)

امام (رحمه الله علیه) با توجه به این نکته که هدف از بعثت انبیاء را انسان‌سازی می‌دانند، معتقد می‌شوند که انسان باید از لحاظ تربیتی جهات معنوی خودش را تقویت کند تا در نتیجه‌ی آن جهات طبیعی‌اش نیز قوی شود.

از بررسی اجمالی مباحث انسان‌شناختی امام خمینی (رحمه الله علیه) این نکته به دست می‌آید که عمده‌ی مسائل مطرح شده در قالب انسان‌شناسی کل‌نگر می‌گنجد، چرا که مباحث ایشان، منطبق بر این نوع نگرش است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اگر ایشان در خلال مباحث انسان‌شناختی خود، نگرش جزءنگر داشته‌اند همچون بحث از انسان تربیت یافته‌ی غربی در جهان غرب یا بحث از بُعد مادی انسان در راستای نگرش کل‌نگر است. (الموسوی‌الخميني، ۱۳۸۵: ۹۵/۸-۹۷)

در تأیید این نتیجه، می‌توان به نظر امام (رحمه الله علیه) در خصوص شناخت هر دو مرتبه‌ی غیب و شهادت انسان اشاره کرد که اگر تنها یک مرتبه‌ی انسان شناخته شود، شناختی ناقص است.

یا این مطلب که انسان در مکتب انبیاء و دین اسلام به صورت جامع - از مرتبه‌ی طبیعت تا مرتبه‌ی روحانیت و فوق روحانیت - تربیت می‌شود. (همان، ۱۳۸۵: ۴۱۴-۴۱۳)

۲- انواع انسان‌شناسی از لحاظ روش

اگر معیار و جهت بررسی انسان‌شناسی، روش‌های گوناگون بررسی و مطالعه‌ی انسان باشد، در این صورت انسان‌شناسی شامل انواع چهارگانه‌ی زیر است:

۱. انسان‌شناسی طبیعی (تجربی)؛

۲. انسان‌شناسی فلسفی؛

۳. انسان‌شناسی عرفانی؛

۴. انسان‌شناسی دینی (وحيانی).

اکنون هر یک از این روش‌های چهارگانه، با تکیه بر اندیشه‌ی امام‌خمينی (رحمة الله عليه) مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱-۲- انسان‌شناسی طبیعی (تجربی)

در این نوع انسان‌شناسی که به انسان‌شناسی علمی نیز معروف است، انسان به روش تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در حال حاضر چنین روشی شامل همه رشته‌های علوم انسانی می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۸۵: ۴۰) با توجه به اینکه در روش تجربی، انسان تنها از بعد ظاهری و مادی مورد بررسی قرار می‌گیرد، چنین روشی نمی‌تواند به شناخت جامع و دقیق از انسان دست یابد. اگرچه عمده‌ی مباحث انسان‌شناختی غرب با توجه به غلبه‌ی مادپروری در جهان غرب به این جهت سوق یافته است.

نباید این نوع انسان‌شناسی را با انسان‌شناسی به مفهوم Anthropology خلط کرد، چرا که آنتروپولوژی هم یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که تحت انسان‌شناسی تجربی قرار می‌گیرد. در آنتروپولوژی به مسائلی از قبیل منشاء پیدایش انسان، توزیع جمعیت و پراکندگی آن، رده‌بندی انسان‌ها، پیوند نژادها، خصیصه‌های فیزیکی و محیطی و روابط اجتماعی و موضوع فرهنگ، با روش تجربی پرداخته می‌شود. واژه‌ی علوم انسانی نیز در فارسی گاه معادل واژه‌ی (Humanities دانش‌های انسانی) است که امروزه در مورد دانش‌هایی به کار می‌رود که به زندگی، رفتار و تجربه‌ی انسانی می‌پردازند، و گاهی هم معادل واژه‌ی (Social sciences علوم اجتماعی تجربی) است که به معنای مجموعه‌ی علوم تجربی انسانی در برابر علوم تجربی طبیعی به کار می‌رود و شامل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و حتی علوم تربیتی، مدیریت و شاخه‌هایی از علم حقوق می‌شود. (رجبی، ۱۳۷۹: ص ۱۷)

بنابراین، نگاه امام‌خمينی (رحمة الله عليه) به چنین روشی، با رویکرد انتقادی است.

امام (رحمة الله عليه)، مدعیان شناخت انسان در جهان را مخاطب قرار داده، می‌فرمایند که این‌ها تنها ظاهر انسان را شناخته‌اند و حتی همین ظاهر را هم به‌طور کامل نشناخته‌اند بلکه تنها شبی از حیوانیت انسان را شناخته‌اند و گمان می‌کنند که انسان همین است.

امام (رحمة الله عليه) معتقدند که مکاتب غیرتوحیدی، انسان را در بُعد حیوانی‌اش خلاصه کرده‌اند و تمام برنامه‌هایی که برای انسان آورده‌اند، جهت تأمین همین بُعد است. در حالی که انسان به خاطر حجم مادی، انسان نیست؛ چرا که این حجم مادی را سایر حیوانات، حتی بیشتر از آن را هم دارند، بلکه انسانیت انسان به معنویت اوست.

از نظر امام (رحمة الله عليه)، شناخت غیر الهی نسبت به انسان، شناختی محدود به حدود طبیعت و لذا ناقص است. زیرا در این شناخت تنها به احتیاجات طبیعی و جسمانی انسان توجه شده است و در مقابل آن شناخت توحیدی و الهی به انسان،

شناختی همه جانبه است. ایشان در تعلیل چنین نگرشی می فرمایند که در مکاتب مادی و غیرتوحیدی تنها حفظ دنیا مورد توجه است. (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۵: ۷/ ۲۸۷)

۲-۲- انسان شناسی فلسفی

اگر ماهیت انسان به صورت کلی و با روش عقلی و از راه تعقل و اندیشه ی فلسفی مورد بررسی قرار گیرد بدان «انسان شناسی فلسفی» می گوئیم چرا که فیلسوف به دنبال شناخت مفاهیم کلی است. (خسروپناه، ۱۳۸۵: ۴۰)

این نوع مطالعه انسان از چند ویژگی برخوردار است:

اولاً چون مستدل است از قطعیت و یقین برخوردار است.

ثانیاً به جهت کلیت از جامعیت برخوردار است و شامل تمامی افراد و مصادیق انسانی می شود.

ثالثاً به جهت بررسی کلی ماهیت انسان از مباحث جزئی و شخصی به دور است.

از بررسی اجمالی دیدگاه های انسان شناختی امام خمینی (رحمة الله علیه) این نتیجه به دست می آید که عمده ی مباحث انسان شناختی ایشان به ویژه در مجموعه ی «تقریرات فلسفی» با روش فلسفی مستدل گردیده است، به گونه ای که این مباحث، پشتوانه ی انسان شناسی دینی و عرفانی قرار گرفته است.

از جمله ی مهم ترین مباحث انسان شناسی با این روش، مباحث مربوط به نفس ناطقه ی انسان است. از نظر امام (رحمة الله علیه)، نفس انسانی اگرچه حقیقتی واحد است، اما دارای سه مرتبه (سه نشئه) می باشد که عبارتند از:

۱. نشئه ی دنیوی و ظاهری، که مظهر آن حواس ظاهری انسان است و به بدن جسمانی نزدیک است؛

۲. نشئه ی برزخی، که مظهر آن حواس باطنی است و بدن برزخی یا قالب مثالی به آن نزدیک است؛

۳. نشئه ی غیبی باطنی، که مظهر آن قلب و شئون قلبیه است.

هر یک از این مراتب نسبت به مرتبه ی بعدی ظاهریت و نسبت به مرتبه ی قبلی خود باطنیت دارد و آثار و خواص و انفعالات هر مرتبه ای به مرتبه ی دیگر سرایت می کند. (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۸: ۳۸۶)

نکته ی محوری در انسان شناسی فلسفی امام خمینی (رحمة الله علیه) طبق اصل مختار بودن انسان، سیر و حرکت ارادی انسان است و این که انسانیت انسان با آزادی او ارتباطی سخت پیدا می کند، چرا که سرنوشت انسان در گرو نحوه ی اختیار و انتخاب اوست.

از نظر امام (رحمة الله علیه)، انسان تنها موجودی است که در فرآیند آفرینش خویش مؤثر است و تنها موجودی است که با اختیار و اراده اش، سرنوشت و ماهیت خویش را تعیین می بخشد.

به همین دلیل است که ایشان، «عزم» را جوهره ی انسانیت و فصل ممیز انسان از حیوانات و بلکه از همه ی موجودات می داند. آگاهی و یقظه ی انسان نیز مقدمه ی به فعلیت رسیدن عزم است تا اینکه عمل بر اساس عزم و اراده شکل یابد.

ایشان بر اساس روایتی که از حضرت عیسی؟ نقل شده است، برای این آگاهی و عزم برای حرکت به سوی مقصد اصلی، تعبیر «ولادت ثانویه» یا «ولادت ملکوتیه» را بکار می بردند، بدین ترتیب که حقیقت انسان در ولادت اول، حیوان محض متولد می شود و در ولادت دوم، انسان. (همان، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۶۸)

۲-۳- انسان شناسی عرفانی

در انسان شناسی عرفانی از راه علم حضوری به مطالعه و بررسی انسان و معرفی انسان کامل و همچنین نحوه ی دستیابی انسان به کمال پرداخته می شود. (خسروپناه، ۱۳۸۵: ۴۱)

مباحث مربوط به حقیقت وجود انسان و ارتباط انسان و خدا در آثار عرفانی امام (رحمة الله علیه) به ویژه کتاب «مصابح الهدایة» با این روش ارائه شده است.

اهمیت مباحث انسان شناختی عرفانی در این است که این مباحث کلید حل بسیاری از غوامض پیچیده ی فلسفی است و در عین حال مبین تأویل آیات و راهگشای فهم دقیق بسیاری از روایات درباره ی انسان شده است. بنابراین روش عرفانی مکمل روش های قبلی (دینی و فلسفی) در انسان شناسی امام (رحمة الله علیه) است.

از جمله ی مهم ترین مسائل انسان شناختی عرفانی امام خمینی (رحمة الله علیه)، مسئله ی خلافت و مظهریت انسان است. از نظر امام (رحمة الله علیه)، انسان مظهر اسم الله الاعظم است، و چون اسم اعظم حق تعالی جامع همه ی مراتب اسماء و صفات است، حقیقت انسان نیز این گونه است و از چنین جامعیتی برخوردار است. (الموسوی الخمینی، ۱۳۶۰: مترجم سیداحمد فهری/ ۷۱)

ایشان معتقدند که انسان واجد تمام مراحل و مراتب خلقت است. از پایین ترین مرحله طبیعت تا بالاترین مراتب روحانیت و ملکوت و جبروت. و همین امر باعث اختلاف شدید انسان ها شده است. ایشان آیات: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾. (تین / ۵-۴) را به گسترده وجودی انسان از احسن تقویم (نیکوترین اعتدال) تا اسفل سافلین (پست ترین پست ها) تفسیر می نمایند. و این آیه ی قرآن: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾. (بقره / ۳۱) را بدین معنی می گیرند که تمام اسماء یعنی تمام مراتب عینی، مثالی، حسی، عوالم غیب و عوالم شهادت همگی در انسان وجود دارند. (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۰)

از جمله ی مباحث عرفانی در انسان شناسی امام (رحمة الله علیه)، جایگاه قلب انسان به عنوان یکی از الطاف الهیه و از جنود الهیه است.

ایشان با استفاده ی از روایات، قلب را محل تجلی خدا به شمار آورده و چون انسان را آینه ی اسم جامع حق که جامع جمیع تجلیات اسمائیه است می دانند نتیجه می گیرند که هزار اسم کلی الهی بر قلب انسان هزار تجلی خواهد داشت و قلب انسان که قابل این تجلیات است، خود مظهر جمیع اسمای الهی و به طریق کلی، مظهر هزار اسم است. (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲)

امام خمینی (رحمة الله علیه) قلب را مرکز حقیقت فطرت دانسته و برای آن دو وجه قائل می شوند: وجهی که به عالم غیب و روحانیت باز می شود و دیگری که به عالم شهادت و طبیعت است. ایشان با استفاده از روایت: «إِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ، فَسَدَ الْعَالَمُ» این نکته را در نسبت بین عالم و عالم به دست می آورند که قلب شخص عالم، عالم صغیر است و خود عالم، قلب عالم کبیر است و اینگونه است که با فاسد شدن قلب عالم، عالم کبیر به فساد و تباهی کشیده می شود. (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۰: ۱۰۳)

این نمونه ها کافی است تا معلوم شود که قوت استدلال امام (رحمة الله علیه) در مباحث انسان شناسی دینی و فلسفی مدیون رویکرد عمیق عرفانی ایشان است.

۴-۲- انسان شناسی دینی (و حیانی)

در این نوع از انسان شناسی ابعاد، ویژگی ها، حقایق و ارزش های گوناگون انسانی از طریق مراجعه به متون مقدس دینی - کتاب و سنت - به دست می آید. به بیان دیگر در انسان شناسی دینی به جای بهره گیری از روش های تجربی، عقلی یا شهودی برای شناخت انسان از روش نقلی استفاده می شود. پاره ای از اشکالات در انسان شناسی های تجربی و فلسفی و عرفانی باعث

شده که بهترین راه برای شناخت انسان، روش دینی و وحیانی باشد، چرا که حقیقت انسان، همانند کتابی است که نیازمند شرح است و شارح این کتاب هم کسی جز مصنف آن یعنی پروردگار آفریننده‌ی آن نمی‌تواند باشد و خداوند سبحان هم حقیقت انسان را به‌وسیله‌ی انبیاء و اولیاء و فرشتگان خود شرح کرده است و با بیان اینکه آدمی از کجا آمده، به کجا می‌رود و در چه راهی گام برمی‌دارد، او را با خویشتن، با آفریدگار، با گذشته، حال و آینده‌اش آشنا کرده است.

البته باید توجه داشت که در ادیانی مانند مسیحیت و یهودیت تحریف صورت گرفته است و لذا بر اساس متون مقدس آن ادیان نمی‌توان به شناخت انسان دست یافت. ولی این مشکل در مورد اسلام که متن مقدس آن یعنی قرآن، مصون از هرگونه تحریف بوده و بیانات مفسران واقعی آن یعنی اهل‌بیت= هم، موجود است، وجود ندارد. لذا می‌توان با مراجعه به این ثقل اکبر و تفسیر آن به‌وسیله ثقل اصغر(ائمّه) به انسان‌شناسی دینی واقعی دست یافت.

مهم‌ترین رویکرد امام‌خمینی(رحمه الله علیه) در مباحث انسان‌شناسی رویکرد دینی و وحیانی است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را اساس سایر رویکردها دانست. در این راستا، قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع دینی نقش ویژه‌ای دارد. شاید مهم‌ترین مباحث انسان‌شناختی امام(رحمه الله علیه) مباحث مربوط به فطرت انسان باشد که الهام گرفته از آیات قرآن به‌ویژه آیه‌ی فطرت(روم: ۳۰) است.

در انسان‌شناسی قرآنی امام‌خمینی(رحمه الله علیه) انسان اگرچه مفطور به توحید و معارف حقه است، ولی از ابتدای ولادت با تمایلات و شهوات حیوانی رشد و نمو می‌کند و تنها تفاوتی که این حیوان با سایر حیوانات دارد، در قابلیت انسان شدن است. این حیوان زمانی به عرصه‌ی انسانیت گام می‌نهد که بیدار شود و به فطرت الهی خودآگاه گردد و این بیداری، اولین منزل انسانیت است.(الموسوی‌الخمینی، ۱۳۸۸: ۱۶۸)

امام(رحمه الله علیه) بر اساس آیه‌ی: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾. حشر/ ۱۹) مقصد انسان را خداوند می‌داند که به‌اندازه‌ی دوری و فراموشی از این مقصد اعلی، از انسانیت خویش دور می‌افتد. از مهارت‌های امام(رحمه الله علیه) استفاده و برداشت نکاتی دقیق از آیات قرآن در تبیین‌های انسان‌شناختی است که با توجه به نگرش کلی و ناشی از تأملات فلسفی - عرفانی ایشان است.

مثلاً ایشان احتمال می‌دهد آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿فَأَمُّهُ هَآوِيَةٌ﴾. قارعه/ ۹) اشاره به این مطلب باشد که انسان مولود عالم طبیعت و فرزند نشئه‌ی دنیاست، لذا از بدو خلقت در غلاف طبیعت تربیت شده و کم‌کم احکام طبیعت بر آن احاطه می‌کند. با الهام از آیه‌ی: ﴿وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ﴾. اعراف/ ۱۷۶) خلود در جهنم را تابع انطفاء نور فطرت می‌دانند.(الموسوی‌الخمینی، ۱۳۸۲: ۷۸)

ایشان، رویکرد فلسفی و عرفانی را در تفسیر آیه‌ی: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. حدید/ ۳) به کار برده و آن را این‌گونه تفسیر می‌نمایند که دست تربیت حق تعالی در تمام مراتب هستی به تربیت انسان پرداخته است و لذا مراد از ضمیر «هُوَ» در آیه را انسان می‌دانند، یعنی: «الانسانُ هو الأول و الآخر»(الموسوی‌الخمینی، ۱۳۸۰: ۲۶۲) یعنی همان حقیقت انسان یا همان انسان کامل که تجلی حق تعالی است و صفات حق تعالی را چون اول، آخر، ظاهر، باطن و... در خود متجلی ساخته است.

همان‌طور که در این عبارات ملاحظه می‌شود، امام(رحمه الله علیه) با مبنا قرار دادن آیات قرآن و استفاده از روش‌های مختلف در تفسیر آیات، مفاهیم دینی درباره‌ی انسان را توسعه‌ی مفهومی داده و نکات جدیدی از آن‌ها به دست می‌آورند.

امام خمینی (رحمة الله علیه) خود تأکید فرموده اند که «قرآن آمده است که انسان را انسان کند». ایشان تمام عبادات و ادعیه را وسیله ای برای تکامل عقلی و ظهور انسانیت انسان می دانند؛ وسیله ای می دانند برای اینکه انسان بالقوه فعلیت یافته و انسان طبیعی، انسانی الهی شود. (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۴: ۱۷۴)

بنابراین از انواع مهم انسان شناسی در اندیشه ی امام خمینی (رحمة الله علیه)، انسان شناسی دینی است که قرآن و سنت در آن نقش اساسی دارند، هر چند از صبغه های عقلانی و عرفانی خالی نیستند.

نتیجه گیری

نگرش کلی انسان شناختی امام خمینی (رحمة الله علیه)، اگرچه در میان اندیشه های انسان شناختی ایشان، رویکردهای مختلف دینی، فلسفی و عرفانی یافت می شود، اما هیچ یک از این روش ها نمی تواند به تنهایی گویای روش خاص ایشان باشد، بلکه انسان شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه) نقطه برخورد و اتصال روش های عرفانی، فلسفی و دینی است، بدین صورت که شالوده و اساس انسان شناسی ایشان دینی و مبتنی بر قرآن و روایات است، اگرچه در مقام استدلال مؤید به روش عقلی و در مقام استنتاج برگرفته از روش عرفانی است. و جایگاه انسان در عالم، جایگاه فراگیری است که مسیر کمال و کمال جوئی را برای انسان روشن می کند و در نهایت او را به خلافت و جانشینی خدا بر روی زمین می رساند.

منابع

قرآن کریم

۱. الموسوی الخمینی، روح الله، سرالصلوه، تهران، ناشر: مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۹۲.
۲. _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ هشتم، تهران، انتشارات: مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۲
۳. _____، شرح دعای سحر، تهران، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۹۵
۴. _____، طلب و اراده، مترجم سیداحمد فهری، بی جا، ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲
۵. _____، آداب الصلوه، چاپ هشتم، تهران، انتشارات: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۰
۶. _____، آداب الصلوه، چاپ هشتم، تهران، انتشارات: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۰
۷. _____، شرح چهل حدیث، چاپ چهل و نهم، تهران، انتشارات: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۸
۸. _____، صحیفه ی امام، ج ۴، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۵.
۹. اردبیلی، سیدعبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی (رحمة الله علیه)، ج ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۱

۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، انسان شناسی اسلامی، چاپ چهارم، قم، انتشارات دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵
۱۱. رجبی، محمود، انسان شناسی، چاپ دوم، قم، ناشر: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۷۹.